

بررسی حقوقی عاقله در فقه اسلامی و قرآن

روح الله افضلی*

چکیده

یکی از مباحث قابل توجه در حقوق اسلامی، مسئله عاقله و مسئولیت آن در پرداخت دیه است. عاقله از ماده عقل به معنای منع و بازداشتن است و در اصطلاح به افرادی می‌گویند که بار پرداخت دیه را به جای جانی بر عهده می‌گیرند و این افراد بستگان ذکور نسبی پدر و مادری، یا پدری به ترتیب طبقات ارث به طوری که همه کسانی که حین الفوت می‌تواند ارث ببرند به صورت مساوی عهده دار پرداخت دیه خواهند بود. ضمان یا مسئولیت عاقله مبتنی بر قرارداد اجتماعی بین افراد قوم در جامعه سنتی پیش از اسلام به شمار می‌رفت که در زمان خود از پشتوانه حقوقی برخوردار بود و پس از اسلام هم مورد امضای شارع قرار گرفته است.

موضوع مسئولیت عاقله در قتل و جنایات خطایی مطرح است و عاقله باید واجد صفاتی از جمله ذکوریت، عقل، بلوغ و قدرت در پرداخت دیه باشد، برای اینکه عاقله را مسئول پرداخت دیه دانست باید شرایطی رعایت شود از جمله، خطایی بودن جنایت، ثبوت با بینه و جنایت عضو به اندازه موضحه و یا بیشتر از آن باشد و دیه به خاطر ضرر بدنی بر شخص آزاد واجب شده باشد.

ضمان عاقله حکمی تکلیفی می‌باشد نه وضعی، بدین معنا که پرداخت دیه ابتدا بر جانی است و مسئول و بدهکار اصلی جانی می‌باشد و عاقله از سوی جانی دین او را می‌پردازد و در صورت عجز و ناتوانی عاقله از پرداخت دیه، چیزی بر ذمه او نیست و ضامن حقیقی خود جانی است.

کلیدواژه‌ها: عاقله، عصبه، ضامن جریره، دیه، مسئولیت، قتل، جنایت، خطا.

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت. ایران - جیرفت. afzali1389@yahoo.com

مقدمه

تردید نیست که انسان‌ها در زندگی اجتماعی وابستگی‌هایی به یکدیگر دارند و هر فرد در مقابل هم‌نوع خویش، مسئولیت‌هایی را به عهده دارد، برخی از این مسئولیت‌ها از نظر شرع و عرف و عقل الزامی می‌باشد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، یک سلسله مسایل حقوقی در قانون مجازات اسلامی مطرح گردید که در جامعه ما تازگی داشت، یکی از آن مسایل، ضمان عاقله است که در بعضی موارد، مسوول پرداخت دیه می‌باشد. این مسأله هر چند در زمان قبل از اسلام و بعد از آن در زمان پیامبر(ص) و در بین اعراب، اشکالی را به وجود نمی‌آورد، اما در جامعه ما قابل پیاده کردن نبوده است.

پیشینه و سابقه تاریخی ضمان عاقله را قبل از اسلام، در زمان جاهلیت می‌توان جستجو کرد که در صدر اسلام نیز پیامبر (ص) آن را تأیید نمودند.

در بیان پیشینه تاریخی عاقله می‌توان گفت که در گذشته مسئولیت عمدتاً جمعی بوده و از فرد مرتکب به هم‌های اعضای خانواده و اقوام و قبیله وی سرایت می‌کرد. بر این مبنای فرد در گروه شخصیت مستقل نداشته و فقط جزئی از یک گروه به حساب می‌آمد؛ لذا مسئولیت کیفری ناشی از عمل او به تمامی گروه تحمیل می‌شده و همه افراد در پرداخت دیه شریک می‌شدند.

بیشتر فقهای اسلام اعم از شیعه و سنی به مسئول بودن عاقله جهت پرداخت دیه در قتل خطایی محض فتوا داده‌اند و نوعاً همه فقها، اصل مسئولیت داشتن عاقله را در صدر اسلام در مورد پرداخت دیه پذیرفته‌اند. بعضی از حقوق‌دانان اسلامی، مسئولیت عاقله در جامعه کنونی را درست نمی‌دانند، اگر چه در زمان صدر اسلام و بین قبایل عرب، عملی درست بوده

است، اما در جامعه ما قابل پیاده کردن نیست زیرا آن نظام قبیله‌ای که در آن زمان وجود داشت، امروز در جامعه ما وجود ندارد. این مطلب که اقوام جانی که قانون از آن‌ها تحت عنوان عاقله نام برده است، موظف به پرداخت دیه جنایتی بشوند که خود هیچ دخالتی در آن نداشته‌اند، امروزه مورد بحث و مناقشه فقها و حقوق‌دانان قرار گرفته است و در عمل نیز با مشکلات اجرایی متعددی روبرو شده است و این مشکل از آنجا نشأت گرفته که امروزه دیگر از آن ارتباطات نزدیک خانوادگی و تعاون و همکاری بین افراد که روزگاری در بافت زندگی عشیره‌ای و قبیله‌ای وجود داشته است، خبری نیست تا آنجا که ممکن است افراد فامیل، سال‌ها از احوال یکدیگر اطلاعی نداشته باشند، و در چنین شرایطی، پرداخت دیه جنایتی که یکی افراد فامیل مرتکب شده است برای خویشاوندان (عاقله)، بسیار مشکل خواهد بود پرداخت دیه به وسیله عاقله با این اصل که «هیچ کس بار گناه دیگری را بر دوش نخواهد کشید» منافات دارد زیرا اسلام از بدو ظهور با هدف نفی ظلم و اجرای عدالت از اولین منادیان شخصی بودن مجازات بوده است، احکام نورانی اسلام بلاشک با آن جامعیت خود، با در نظر گرفتن مقتضیات زمانی و مکانی وضع شده است و اگر آن شرایط تغییر نماید، آن احکامی که بستگی تام به این شرایط دارند (احکام غیر عبادی) باید با توجه به اقتضای زمانی و مکانی و مصالح اجتماعی که اجرای عدالت در جامعه می‌باشد، تغییر نمایند.

عده‌ای معتقدند که بیمه متداول امروزی می‌تواند جایگزین عاقله باشد و می‌گویند اگر بیمه بین اقشار جامعه به صورت فرهنگ در آید و هر یک از افراد جامعه، خود را ملزم به بیمه شدن کند، بیمه می‌تواند در حوادث و سانحه‌ها بار مشکلات را از دوش افراد بردارد، همچنین آن‌ها بیمه را شبیه ضمان جریره می‌دانند و برای مشروعیت بیمه به مشروعیت عاقله و ضمان جریره استناد کرده‌اند.

عاقله در لغت

عاقله در لغت به معنای زیر به کار رفته است:

۱- عاقله از واژه «عقل» به ضم عین مشتق شده و به معنای بستن و محکم کردن است. به همین دلیل به ریسمانی که برای بستن است، عقال گویند و از این رو، به خویشاوندان جانی هم عاقله گفته می‌شود که با عقال، شتران را (به عنوان دیه) به خانه ولی مجنی علیه می‌بردند و می‌بستند. (طریحی، بی تا، ج ۵، ص ۴۲۷).

۲- عاقله از عقل به فتح عین و به معنای منع و نگاه‌دارنده و مواظبت کننده است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸، ص ۴۴۱) شهید ثانی در بیان تناسب این معنی با عاقله می‌نویسد: چون در زمان جاهلیت عشیره و خویشان قاتل به وسیله شمشیر، قاتل را از گزند اولیای مقتول منع و محافظت می‌کردند و سپس در اسلام این ممانعت با پرداختن مال (دیه) حاصل گردید. به همین مناسبت، به خویشاوندانی که با این پرداخت عامل منع می‌شوند، عاقله گفته‌اند. (جبعی عاملی، بی تا، ج ۱۰، ص ۳۰۷).

۳- عقل به معنای دیه مهم به کار رفته است، چنان که در حدیث نبوی «عقل المرأة مثل عقل الرجل حتی يبلغ الثلث من الدیه به همین معناست، یعنی دیه زن مثل دیه مرد است تا به یک سوم برسد.»

عقل در عربی به معنای دیه است، و این بدان سبب است که دیه نزد عرب جاهل شتر بوده است، چرا که اموال و دارایی آن‌ها شتر بود و دیه را بدین جهت عقل نامیدند. به نظر می‌رسد که فلسفه وضع عاقله به معنای دوم که منع و بازداشتن است، مناسب‌تر می‌باشد.



عاقله در قانون

در ماده ۳۰۷ قانون مجازات اسلامی آمده است عاقله عبارت است از بستگان ذکور نسبی پدر و مادری یا پدری به ترتیب طبقات ارث به طوری که همه کسانی که حین الفوت می‌توانند ارث ببرند به صورت مساوی عهده دار پرداخت دیه خواهند بود بدین ترتیب در مقررات جدید، قانون گذار عاقله را شامل کسانی می‌داند که به تسمیه ارث می‌برند و در صورت عدم وجود آنان، نزدیکان پدری و نزدیکان مادری در پرداخت دیه به طور اثلاث شرکت دارند. (شامیاتی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۳۱).

با مطالعه منابع حقوق اسلامی در این باب می‌توان عاقله را به چهار دسته تقسیم نمود که عبارتند از: ۱- عصبه ۲- معتق ۳- ضامن جریره ۴- امام.

اینک در ذیل به توضیح بیشتر در مورد هر یک از مصادیق عاقله می‌پردازیم:

۱- عصبه:

عصبه از ریشه‌ی عصب به معنای فرا گرفتن و احاطه قوی است و جمع آن عاصب است و عصبه را از آن جهت عصبه گویند که اطراف فرد را احاطه می‌کنند، مثلاً کسی که دارای پدر، پسر، برادر... است، پدر از یک طرف، پسر از یک طرف و برادر نیز از یک طرف او را احاطه می‌کنند. (طریحی، بی تا، ج ۲، ص ۱۲۲).

گفته شده عصبه هر کسی است که از طرف پدر و مادر یا تنها پدر به میت منسوب باشد اگر چه وارث میت نباشد این نظر موافق شیخ مفید، شیخ طوسی و علامه است (طباطبایی، ۱۴۱۲، ج ۱۰، ص ۵۴۸).

اما از نظر اکثریت دانشمندان شیعه، عصبه خویشاوندان ذکور هستند که از طرف پدر

و مادر با جانی نسبت دارند و به ترتیب طبقات ارث به طور مساوی عهده دار پرداخت دیه خواهند بود. (حلی، ۱۴۱۱، ج ۴، ص ۱۰۵۴).

ابن اثیر در نهاییه، عصبه را چنین تعریف می‌کند. «عصبه شخص، فرزندان و نزدیکان پدری او هستند» (جزری، ۱۳۶۷).

۲- معتق (آزاد کننده):

در حقوق اسلامی، معتق به کسی که بنده‌ای را آزاد می‌کند می‌گویند که در قبال جنایات احتمالی آن بنده، ضامن شمرده شده است.

در مورد معتق باید گفت که چون در زمان کنونی برده داری منسوخ شده و برده‌ای وجود ندارد، معتق یا آزاد کننده برده نیز موضوعت ندارد. در این مورد به یک مثال اکتفا می‌کنیم. محمد بن ابی عمیر از حشام بن سالم و او از امام صادق (ع) روایت می‌کند که فرمود: کسی که و لایت شخص را به دوش خود گرفت، ارث می‌برد و دیه جنایت خطائی او را می‌پردازد. (حر عاملی، بی تا، ج ۱۷، ص ۵۴۶) البته ذکر این مطلب لازم است و آن اینکه «عاقله، ضامن جنایت عبد نمی‌شود، بلکه جنایت او متعلق به رقبه ی او است.» (بهبخت، بی تا، ج ۵، ص ۴۴۸).

۳- ضامن جریره:

کسی که به موجب ضمان جریره مسئولیت جنایات مستلزم دیه را نسبت به شخص معینی قبول کرده باشد، ضامن جریره نامیده می‌شود.

ضمان جریره عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین عقد مسئولیت جنایات مستلزم

دیه را نسبت به طرف دیگر می‌پذیرد؛ با این شرط که از او ارث ببرد. شخصی که ضامن جریره می‌شود باید وارث قانونی مضمون عنه نباشد. شرط آن است که برای مضمون له وارث نسبی در هیچ طبقه‌ای نباشد چه در زمان عقد مذکور و چه پس از عقد مذکور، حدوث وارث پس از عقد مذکور موجب بطلان آن می‌شود. (رحمدل، ۱۳۸۳، ص ۵۹).

شیخ طوسی در این خصوص می‌فرماید: عقد دوستانه‌ای بین دو نفر که نسبت آن‌ها به یکدیگر مشخص نیست، منعقد می‌شود که هر یک از دیگری ارث ببرد و در مقابل دیه او را بپردازد، این عقد نزد امامیه صحیح است. (طوسی، بی تا، ج ۷، ص ۱۸۱).

تبصره ماده ۳۰۷ قانون مجازات اسلامی ضامن جریره را نیز یکی از عاقله برشمرده است بدون آنکه تعریف و سایر شرایط آن را بیان کند.

۴- امام مسلمین:

در صورتی که جانی عصبه نداشته باشد و عقد ضمان جریره نیز بین او و شخص غریبی منعقد نشده باشد، امام مسئولیت پرداخت دیه از طرف جانی را بر عهده دارد که دیه را از بیت‌المال می‌پردازد، (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳، ص ۴۳۳) همچنین در صورتی که ضامن جریره یا عاقله فقیر باشند و یا خود جانی مالی برای پرداخت دیه نداشته باشد امام مسئولیت پرداخت دیه را بر عهده دارد. (همان، ص ۴۳۲) بنابراین از جمله مسئولیت‌های بیت‌المال این است که به عنوان عاقله در پرداخت دیه‌ی جرائم خطایی، ضمان را عهده دار باشد.

ماده ۳۱۲ قانون مجازات اسلامی نیز در این زمینه مقرر داشته است: هرگاه جانی دارای عاقله نباشد، یا عاقله او نتواند دیه را در مدت سه سال بپردازد، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود.

موارد پرداخت دیه از بیت‌المال:

بیت‌المال در چهار مورد ذیل دیه را می‌پردازد.

الف - هرگاه قاتل مسلمان دارای عاقله نباشد.

هرگاه قاتلی که مسلمان است، عاقله نداشته باشد، پس از پی جویی درباره عاقله او، و احراز عدم آن، بیت‌المال دیه او را می‌پردازد و این به خاطر قول رسول خداست که فرمود: انا وارث من لا وارث له اعقل عنه و ارثه (من وارث کسی هستم که هیچ وارثی ندارد و من از طرف او دیه او را می‌پردازم و از او ارث می‌برم).

ب - هرگاه عاقله، معسر باشد:

هرگاه قاتلی که مسلمان است دارای عاقله باشد، ولی عاقله از پرداختن دیه یا تتمه آن عاجز باشد، پس از آنکه مؤکداً عجز آنان در پرداخت کل دیه، یا بعضی آن احراز گردید پرداخت دیه کلاً یا بعضاً بر عهده بیت‌المال قرار می‌گیرد.

ج - خطای امام، یا حاکم در حکم:

بیت‌المال دیه را موقعی می‌پردازد که امام، یا حاکم در حکم خطا کند و موجب دیه گردد، و عاقله در این مورد نقش ندارد. زیرا امام و حاکم از جانب خدا نیابت دارند، پس خطای آن دو از بیت‌المال پرداخت می‌شود.

د - پیدا شدن کشته‌ای در اماکن عمومی:

اگر کشته‌ای در بزرگرایی پیدا شود که قاتل او مجهول باشد و آن راه جای رفت و آمد عموم باشد مانند راه‌های گشاده بازار ما و جاده‌ها و میان شهرها، مسجد جامع و پل‌های عمومی، دیه آن بر بیت‌المال خواهد بود، زیرا این مراکز مشترک و مصلحت آن‌ها مربوط به همه مردم است و حفظ و نگهداری آن‌ها به عهده همه مردم است که اگر تقصیر کنند

ضامن هستند، و بیت‌المال مال آنان است، از این رو دیه مزبور از بیت‌المال داده می‌شود و همچنین هرگاه کسی در روز جمعه یا عرفه یا زیارت قبور ائمه اطهار در اثر ازدحام بمیرد دیه او بر بیت‌المال مسلمین است، همه این موارد در کتب فقهی آمده است. (حلی، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۳۵۹).

هـ - فرار قاتل در قتل عمد:

چنین فهمیده می‌شود که یکی دیگر از مواردی که بیت‌المال مسئول پرداخت دیگان است، فرار قاتل عمد در قتل عمد است. (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۱۰، ص ۱۵۲).

همان‌طور که در ماده ۲۶۰ قانون مجازات اسلامی نیز آمده است: هرگاه کسی که مرتکب قتل عمد شود و قرار کند و تا هنگام مرگ به او دسترسی نباشد، پس از مرگ قصاص به دیه تبدیل می‌شود، که باید از مال قاتل پرداخت شود و چنانچه مالی نداشته باشد، از اموال نزدیک‌ترین خویشان او به نحو (الاقرب فالاقرب) پرداخت می‌شود و چنانچه نزدیکانی نداشته باشد، یا آن‌ها تمکن نداشته باشند، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود.

صفات عاقله

گفته‌اند شرط است که عاقله ذکور باشند، پس زن عاقله نمی‌باشد و شرط است که بالغ و عاقل باشند پس نابالغ و دیوانه، عاقله نیستند و شرط است که غنی و قادر به پرداخت دیه باشد پس بر فقیر دیه لازم نیست و غنی و فقیر بودن را در وقتی که سال تمام می‌شود و دیه را می‌پردازند اعتبار و ملاحظه می‌کنند. (مجلسی، ۱۴۰۴، ص ۲۷).

۱- ذکورت:

با پذیرش این صفت برای عاقله، زن از شمول افراد عاقله خارج می‌شود، همان‌طور که

در قانون مجازات اسلامی، ماده ۳۰۷ نیز عاقله را بستگان ذکور نسبی پدر و مادری یا پدری به ترتیب طبقات ارث معرفی می‌کند. با ملاحظه ماده ۳۰۷ قانون مجازات اسلامی مشخص می‌شود که قانون گذار ما به تبعیت از قول مشهور، عصبه را به عنوان عاقله جانی پذیرفته است؛ بنابراین، عصبه مطابق ماده فوق شامل دو دسته‌اند:

۱- خویشان ذکور نسبی پدری (نظیر: پدر، پدربزرگ، عمو و عموزاده).

۲- خویشان ذکور نسبی پدری و مادری (همچون برادر - برادرزاده و ...).

بنابراین زن از فهرست کسانی که جزو عاقله محسوب می‌شوند، خارج می‌گردد.

۲ و ۳- عقل و بلوغ:

توضیح شرط دوم و سوم: با شرط دوم یعنی عقل، پرداخت دیه از دیوانه ساقط می‌شود و با شرط سوم که بلوغ است پرداخت دیه شامل کودک نمی‌شود.

از جمله افرادی که جزو عاقله محسوب نمی‌شوند کودک و دیوانه هستند، زیرا با توجه به معنای لغوی و اصطلاحی عصبه، انصراف ادله از شمول این دو به عنوان عاقله قطعی است و از طرفی هم می‌توان برای خروج این دو از عنوان عاقله به حدیث رفع استناد کرد. بنابراین پرداخت دیه بر طفل و دیوانه واجب نیست حال این سوال ممکن است مطرح شود که چگونه بر طفل و دیوانه پرداخت دیه واجب نیست اما آن‌ها ارث می‌برند؟ در جواب می‌گوییم ارث بردن، علت برای پرداخت دیه نیست، بلکه حکمت است و ممکن است کسی عصبه باشد ولی فعلاً ارث نبرد. (زراعت، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۱۴).

۴- قدرت در پرداخت دیه:

یکی دیگر از صفات عاقله، قدرت او در پرداخت دیه می‌باشد و اگر عاقله معسر باشد، ضامن پرداخت دیه نیست در اینجا ظاهراً معنای عام معسر مدنظر قانون گذار باشد، یعنی

کسی که فقیر است و توان پرداخت دیه را ندارد و با توجه به اینکه اعسار و فقر، معنای نسبی دارند، بنابراین تشخیص آن در این موارد به عهده دادگاه است. (زراعت، همان، ص ۲۱۵).

شرایط مسؤلیت عاقله:

با وجود شرایط ذیل، پرداخت دیه بر عاقله لازم می‌گردد و در غیر این صورت، عاقله هیچ گونه مسؤلیتی نسبت به پرداخت دیه نخواهد داشت:

الف جنایت باید خطایی باشد:

پس در عمد و شبه عمد، عاقله هیچ گونه مسؤلیتی ندارد و بار پرداخت دیه بر عهده او نمی‌باشد.

جنایت خطایی محض آن است که مرتکب در قصد و در فعل، هر دو خطا کند. (گرجی، ۱۳۸۰، ص ۶۱).

ب جنایت باید با بینه ثابت شود:

در صورتی جنایت با بینه ثابت نشود و از طریق دیگر به اثبات برسد مانند آنکه قاتل اقرار نماید یا با ولی مقتول صلح کند، خون بها (دیه) بر عاقله واجب نیست، بلکه خود جانی ضامن است. زید بن علی (ع) از پدران نقل می‌کند که عاقله فقط نسبت به جنایتی مسؤلیت دارد که بینه بر آن اقامه شده باشد، وی چنین بیان می‌کند «شخصی را نزد امام آوردند و ایشان اعتراف به قتل کرد، امام دیه را در مال خودش قرار داد و بر عاقله چیزی را قرار نداد. (حر عاملی، بی تا، ج ۲۹، ص ۳۹۹)».

همچنین در ماده ۳۰۵ ق م ۱ آمده است: «در قتل خطای محض در صورتی که قتل با بینه یا قسامه یا علم قاضی ثابت شود پرداخت دیه به عهده عاقله اوست و اگر با اقرار قاتل

یانکول او از سوگند یا قسامه ثابت شود به عهده خود اوست».

ج جنایت وارده به حد معینی نسبت به دیه نفس برسد.

عاقله پرداخت دیه را بر عهده نمی‌گیرد مگر آنکه جنایت به حد معینی از دیه نفس

برسد.

عاقله از ارش موضحه که در آن پنج شتر است تا هر چه بالاتر رود ضامن است. یعنی از یک بیستم دیه به بالاتر. زیرا تحمل عاقله برای احتراز از ستم به جانی است که پرداختن مال هنگفتی را به دوش او نگذارند، ولی هرگاه سبک و ناچیز باشد، احجاف، و ستم به او نخواهد بود. (عوض احمد، ۱۳۷۷، ص ۲۳۳).

موضحه آن جراحی است که بر کسی وارد شود که تابه استخوان برسد و نیز روی استخوان ظاهر شود.

ماده ۳۰۶ قانون مجازات اسلامی نیز در این بهاره می‌گوید: در خطاء محض، دیه قتل و همچنین دیه جراحات (موضحه) و دیه جنایتهای زیادتر از آن به عهده عاقله می‌باشد و دیه جراحتهای کمتر از آن به عهده خود جانی است.

ضمان عاقله، حکمی وضعی یا تکلیفی:

یکی از مباحثی که در مورد مسئولیت عاقله وجود دارد، آن است که ضمانت عاقله نسبت به پرداخت دیه حکم وضعی است یا تکلیفی؟ و در صورتی که حکم وضعی باشد مسئول اصلی همان عاقله است و جانی مسئولیت ندارد، و در صورتی که حکم تکلیفی باشد، مسئول و بدهکار اصلی جانی است و عاقله از سوی جانی دین او را می‌پردازد.

حال اگر مسئولیت عاقله تکلیفی باشد، جانی مسئولیت وضعی خواهد داشت و فقط عاقله

مكلف است دینی را که در ذمه جانی است ادا نماید. اما اگر مسئولیت وی مسئولیت وضعی باشد، خود وی مدیون است نه جانی، زیرا اگر قرار باشد هم جانی و هم عاقله هر دو مدیون باشند، در این صورت دو ذمه در مقابل بدهکاری واحد مشغول خواهد شد، که بنا بر قول مشهور بین فقها، چنین چیزی معقول نیست. به هر حال مرحوم صاحب جواهر و بعضی از علمای معاصر معتقدند عاقله مدیون نیست و تنها جانی در مقابل جنایتی که مرتکب شده، مسئول است و به اولیای دم یا مجنی علیه بدهکار می‌باشد. در زیر دلایل صحت این نظر را بررسی می‌کنیم: (مرعشی شوشتری، ۱۳۷۶، ص ۲۲۵ و ۲۲۶).

الف- هیچ کس در مقابل جنایت دیگری مسئول نیست چرا که خداوند متعال می‌فرماید: «ولا تزر و از ره و زر اخری» (فاطر، ۱۸) و این یک حکم عقلی و عقلایی است که هر کس جنایتی را مرتکب می‌شود تنها خودش مسئول باشد و دیگری در مقابل جنایت او هیچ گونه مسئولیتی نداشته باشد، نه وضعاً و نه تکلیفاً.

ب- اگر مسئولیت عاقله، مسئولیت وضعی باشد، لازم است جانی در مقابل جنایتی که مرتکب شده است، به هیچ وجه مسئولیتی نداشته باشد، نه وضعاً و نه تکلیفاً. زیرا بدهکار در این فرض عاقله است نه جانی؛ و جانی وقتی بدهکار نباشد، نمی‌توان از او مطالبه دیه کرد و مسئول هم نیست.

ج- از آیه شریفه «و من قتل مومنناً خطأً فتحریر رقبه مومننه و دیه مسلمة الی اهله» (نساء، ۹۲) استفاده می‌شود که خود جانی همان طور که مسئول تحریر رقبه است، مسئول دیه هم می‌باشد و لذا اگر از خارج دلیل دیگری وجود نداشت مبنی بر این که عاقله مکلف به پرداخت دیه باشد، به دلیل همین آیه، جانی را مسئول می‌دانستند نه کسان دیگر را.

د- از روایات بسیار استفاده می‌شود که مسئول پرداخت دیه، خود جانی است. مانند

روایت ابی العباس از امام صادق علیه السلام که در آن آمده است:
 «رمی شاه فاصاب انساناً. قال علیه السلام: ذاک الخطا الذی لاشک فیه علیه الدیه و
 الکفاره». (حر عاملی، بی تا، ص ۲۶).

از امام صادق علیه السلام درباره حکم مردی سوال شد که به طرف گوسفندی تیر
 می اندازد و به انسانی اصابت می کند و کشته می شود. امام علیه السلام فرمودند: این قتل،
 بدون شک، قتل خطائی است و دیه و کفاره به جانی تعلق می گیرد.
 از این روایت، به روشنی پیداست که مسئول پرداخت دیه و کفاره، خود جانی می باشد.
 رابطه بیمه و ضمان عاقله.

با توجه به شباهت و سنخیتی که بین ضمان عاقله و عقد بیمه وجود دارد می توان گفت
 ضمان عاقله نوعی از بیمه است مضاف بر اینکه برخی از فقها و حقوق دانان به خاطر همین
 شباهت بین این دو تاسیس بر این قائلند که ضمان عاقله نوعی از بیمه است این شباهت و
 سنخیت تا آنجا که پرداخت دیه به وسیله دیگری از طریق پیمان که اصطلاحاً به آن ضمان
 جریره گفته می شود به حد کمال خود می رسد.

یکی از نویسندگان ضمان فوق را همانند نوع خاصی از بیمه دانسته و آن را از مصادیق
 بیمه های متقابل بشمار می آورد و می گوید: «بررسی و تحلیل رسم کهن خون بها که در میان
 قبایل عرب مرسوم بوده ما را در درک ماهیت بیمه مدد می کند. هدف از بیمه، ایجاد قاعده ای
 در قبال خطرات است که جمعی از افراد بالسویه در آن مشارکت دارند و با سهیم شدن در
 جبران خسارت، سنگینی باری را که بر دوش یک تن است کاهش داده و آن را متوجه تمامی
 جامعه می گرداند. بدین ترتیب بیمه مزبور نوعی جبران دو جانبه یا متقابلی است که از سوی
 گروهی که رویا روی یک خطر مشترک هستند برای تأدیه خسارت اتفاقی صورت پذیر

می‌شود.» (محقق داماد، ۱۳۷۸، ص ۴۷).

جایگاه عاقله در زمان حاضر

با توجه به اینکه دیه، جبران خسارت مجنی علیه یا اولیای اوست، نه کیفر جانی، می‌توان پذیرفت که جبران خسارت در زمان‌های مختلف تغییرپذیر است: زیرا بین احکام عبادی و اجتماعی تفاوت وجود دارد. احکام عبادی طریق ارتباط بندگان با خداوند را مشخص می‌کند، اما احکام اجتماعی ناظر به روابط بین انسان‌هاست، و در بعضی موارد از سوی معصومان علیهم السلام به عنوان حاکم و ولی امر جامعه صادر گشته‌اند.

با توجه به آیات قرآن کریم که هر کس را مسئول اعمال خویش دانسته، می‌توان روایات وارده بر مسئولیت عاقله را دلیل بر توجه پیامبر (ص) به اوضاع آن زمان در جامعه عربستان دانست و با توجه به اینکه ضمان عاقله یک حکم تأسیسی اسلام نیست، بلکه قبل از ظهور اسلام بین مردم جزیره العرب در میان قبایل، این رسم وجود داشته است و در مواقعی که فردی از آن‌ها به قتل می‌رسید، خانواده مقتول در صدد انتقام جویی بود که برای جلوگیری از انتقام و خون‌ریزی این رسم بنا شد که بر اساس آن، خون‌بها از سوی تمامی افراد قبیله پرداخت می‌شد و بعد از ظهور اسلام نیز، این سنت چون امری عقلایی بود مورد پذیرش دین اسلام قرار گرفت.

بنابراین حکم ضمان عاقله تحت تأثیر ضرورت اجتماعی آن روز جزیره العرب بود و آمده و چون یک امر عقلایی زمان خود بود و با وجود عدم اهدای خون مسلمان منطبق بود، اسلام تحت شرایطی آن‌را پذیرفت پس با توجه به اینکه این حکم در زمان حاضر که خصائص زندگی آن روز را ندارد، غیر قابل اجرا و مخالف اصل شخصی بودن مجازات‌ها

می‌باشد و از آنجا که مسئولیت عاقله، یک حکم امضایی است، یعنی تأیید روش عقلایی زمان تشریح، و اینکه فلسفه پرداخت دیه، جبران خسارت ناشی از جنایت به مجنی علیه یا اولیای او است در جامعه کنونی می‌توان در مواردی چون تصادفات، مسئولیت بیمه را پذیرفت و در موارد دیگر اگر تعهدی، ضمن قرارداد بیمه یا قرارداد دیگری وجود داشته باشد قابل پذیرش است و این امر هیچ منافاتی با اصول شرع مقدس اسلام ندارد.

کتابنامه

قرآن کریم.

بهجت، محمد تقی. *جامع المسائل*، بی تا، انتشارات دفتر آیت الله بهجت، قم.
 جبعی عاملی، زین الدین، *الروضه البهیه شرح اللمعه دمشقیه*، بی تا، دار العالم الاسلامی، بیروت.
 جعفری لنگرودی، محمد جعفر، *ترمینولوژی حقوق*، ۱۳۶۸. گنج دانش.
 جزری، ابن اثیر، *النهایه فی غریب الحدیث و الاثر*، ۱۳۶۷. انتشارات موسسه اسماعیلیان.
 حر عاملی، محمد بن حسن، و *سائل الشیعه*، بی تا، دار احیا التراث العربی، بیروت.
 حلّی، ابن ادریس، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، ۱۴۱۱. انتشارات جامعه مدزسین قم.
 رحمدل، منصور، *ضمان عاقله از دیدگاه فقه امامیه و قانون مجازات اسلامی*، بهار ۸۳، نشریه دادگستری شماره ۱۴

زراعت، عباس، *شرح قانون مجازات اسلامی (دیات)* ۱۳۸۰. انتشارات ققنوس.

شامبیاتی، هوشنگ، *حقوق جزای عمومی*، ۱۳۸۸. انتشارات مجد.

شیخ طوسی، محمد بن حسن، *المبسوط فی فقه الامامیه*، بی تا، مکتبه المرتضوی تهران.

شیخ طوسی، محمد بن حسن، *التهدیب*، ۱۳۶۵. دارالکتاب الاسلامیه، تهران.

طباطبایی، سیدعلی، *ریاض المسائل*، ۱۴۱۲. دار الهادی بیروت.

طریحی، فخر الدین. *مجمع البحرین*، بی تا، مکتبه المرتضویه.

عوض احمد، ادریس، دیه، ترجمه دکتر فیض ۱۳۷۷. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
گرچی، ابوالقاسم، دیات، ۱۳۸۰. موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
محقق حلی، جعفر، *شرایع الا سلام فی المسائل الحلال و الحرام*، ۱۳۶۲. دانشگاه تهران.
محقق داماد، مصطفی، *قواعد فقه (بخش مدنی)* ۱۳۶۶. وزارت ارشاد اسلامی.
مجلسی، محمد باقر، *رساله حقوق*، تنظیم و تصحیح محمد جواد ذهنی تهرانی ۱۳۷۸. انتشارات پیام حق.
مرعشی شوشتری، دیدگاه‌های نو در حقوق کیفر یا اسلامی ۱۳۷۶. نشر میزان.
نجفی، محمد حسن، *جواهر الکلم*، ۱۴۰۴، انتشارات مکتبه اسلامی، تهران.

